

اوستا حمید آرایشگری رادر نو جوانی از پشت شیشه پنجره یاد گرفت

## آقای ذاتا آرایشگر

حسین برادران فرا برخلاف همه مغازه های شیک و پرزرق و برق آرایشگری که در حاشیه بولوار نجف (محله نوده) قرار دارند، آرایشگاه اوستا حمید، ظاهری ساده و معمولی دارد. شاید به همین دلیل رونق و مشتری سال های گذشته رانداشته باشد. اما او از آرایشگران ماهر، باتجربه خوش نام و از همه مهم تر با انصاف محله است و این خوش نامی را هیچ چیزی عوض نمی کند.

### ● در نو جوانی آرایشگر خانواده بودم

حمید غریب متولد ۱۳۵۶ است و از نو جوانی به شغل آرایشگری علاقه داشته است. قصه علاقه مندی اش را این طور تعریف می کند: آرایشگر روستای ما مرد میانسالی بود که برخلاف دیگر اهالی روستا که لباس های خاکی و کهنه ای به تن داشتند، لباس های نو و اتو کرده ای می پوشید. به دلیل همین علاقه هر روز بعد از آمدن از مدرسه به مغازه آرایشگری (که آن زمان مغازه سلمانی می گفتند) می رفتم و از پشت پنجره به حرکات دست استاد سلمانی که با قیچی و شانه موهای ژولیده و پریشان اهالی روستا را کوتاه می کرد نگاه می کردم. استاد آرایشگر گاهی که متوجه چشمان کنجکا و من در پشت پنجره مغازه اش می شد، با غرولند و ناراحتی از پشت پنجره دور می کرد. بارها از او خواستم که آرایشگری رایا دم بدهد، اما قبول نکرد. حتی راضی نشد داخل مغازه بنشینم و نگاهش کنم.

### ● اولین تجربه آرایشگری

او در باره اولین تجربه آرایشگری اش می گوید: ۱۲ یا ۱۳ ساله بودم که اولین آرایشگری ام را انجام دادم. یک روز پدرم قصد رفتن به آرایشگاه روستا را داشت. از او خواستم که موهای سرش را اصلاح کنم. پدرم

با ناراحتی گفت: تو شاگردی نکرده چطور آرایشگر شدی. به او گفتم: اگر موهایت را بد کوتاه کردم، پول آرایشگاه رفتنت را خودم می دهم. با وجود ناراضی با پا در میانی مادرم روی صند و قهقهه خانه نشست، قیچی و شانه را به دست گرفتم و موهای سر پدرم را کوتاه کردم. اصلاح سر که تمام شد. صورتش را در آینه قدی خانه نگاه کرد و لیخندی از سر رضایت زد. خیلی خوشحال شده بودم، بعدها سر بیشتر اقوام و خویشان را رایگان کوتاه می کردم. هر وقت که از کنار مغازه آرایشگر روستا عبور می کردم، آرایشگر با چشم غره و ناراحتی زیر لب فحشی نثار می کرد.

### ● انصاف و همراهی با مشتری

عشق و علاقه به آرایشگری در وجود اوستا حمید باقی ماند، اما موقعیت اینکه مغازه آرایشگری داشته باشد به وجود نیامد. بعد از ازدواج به مشهد و محله نوده آمد و به فکر راه اندازی مغازه آرایشگری افتاد: «بعد از گذراندن کلاس های آموزش آرایشگری، مدرک و جواز شغل آرایشگری را از مرکز فنی و حرفه ای مشهد دریافت کردم. مغازه کوچکی را در محله نوده اجاره کردم. لوازم و وسایل لازم برای آرایشگری را تهیه و کارم را شروع کردم. سال هاست که در همین مغازه کوچک اجاره ای آرایشگری می کنم. با وجود راه اندازی چند آرایشگاه شیک و مجهز در سال های اخیر در محله، مشتری های خودم را دارم و کسانی هستند که مسیر چند کیلومتری را از بالای محله طی می کنند و به مغازه ام می آیند تا من موهای سرشان را کوتاه کنم.»

### ● پول با برکت

یکی از ویژگی های اوستا حمید آرایشگر در کنار



درآمد زیادی برکت است. او ادامه می دهد: به کارم علاقه دارم و از اینکه به ظاهر مردم زیبایی هدیه می کنم خوشحالم. برای همین به کم قانع هستم. همین که محتاج کسی نشوم کافی است. حمید آقا جاروی کنار مغازه را برمی دارد و آرام آرام موهای ریز روی زمین را جاروی زند. مشتری تازه وارد پیرمردی است که با دقت به حرف های اوستا و من گوش می کند. اوستا با لیخند از مشتری می خواهد روی صندلی بنشیند. من اما محو تماشای دست اوستا می شوم.

مهارت و سابقه با انصاف بودنش است. او در این باره می گوید: در طول این سال ها همیشه بر اساس وسع و توان مشتری دستمزد گرفته ام. در محله نوده به ویژه (نوده پایین) قسمتی که ما هستیم، خانواده های ضعیف و فقیر زیادی ساکن هستند. مشتری های زیادی داشته ام که بعد از اصلاح پول نداده بیرون رفته اند و یا پول اندکی را که در دست داشته اند، روی میز گذاشته اند و از مغازه خارج شده اند. همراهی با مشتری های ضعیف به ویژه در این روزهای سخت کرونایی واجب است. دستمزد کم با برکت بهتر از

## مو در ماشین اصلاح گیر می کرد

به گفته اوستا در گذشته ماشین اصلاح ها دستی بود و برای اصلاح بهتر موی سر همیشه نیازمند روغن کاری و تعویض تیغه های آن بود.

آن طور که این آرایشگر می گوید ماشین های اصلاح قدیمی کیفیت چندانی نداشت و گاهی موی مشتری در آن گیر می کرد. اما چند سالی است که ماشین های دستی از رده خارج شده اند و ماشین های اصلاح برقی در انواع و اقسام برندها مورد استفاده آرایشگران است. برای اصلاح موهای صورت (ریش و سبیل) که امکان استفاده از قیچی و شانه نیست از ماشین اصلاح استفاده می شود. سشوار وسیله جدیدی در آرایشگری است که برای خشک کردن موی سر استفاده می شود. در گذشته این کار توسط حوله های خشک انجام می شد.

## قیچی و شانه از دیروز تا امروز

آن طور که اوستا حمید می گوید قیچی و شانه دو وسیله اصلی در شغل آرایشگری هستند. این دو ابزار از گذشته های دور تا کنون تقریباً بدون هیچ تغییری باقی مانده و فقط جنسشان تغییر کرده است. در گذشته شانه های از چوب و عاج ساخته می شدند. قیچی ها نیز از جنس مس، برنج، آهن و استیل بودند. آرایشگری که بتواند موی سری را منظم و در کمترین زمان اصلاح کند بهترین است. در شغل آرایشگری قیچی انواع متفاوتی دارد، چون تکنیک اصلاح و آرایش مو رابطه مستقیمی با نوع قیچی دارد. قیچی نامناسب سبب آزار و کندی کار آرایشگر می شود. قیچی های کوچک بین اندازه های چهار و نیم تا پنج و نیم اینچ حالت دقیق تری از برش مو می دهند، در حالی که اندازه های بیشتر از ۱۶ اینچ برای حالت های تکنیکی تر مانند مدل قیچی روی شانه و برش های اساسی استفاده می شوند.

کم  
با برکت بهتر  
از درآمد زیاد  
بی برکت  
است

